

اخبار کارگری

تاخیر در پرداخت حقوق ادامه دارد؛ آغاز تعدیل نیرو در کارگران «بندر شهید بهشتی چابهار»



جمعی از کارگران پیمانکاری پروژه احداث شبکه معابر و تأسیسات زیربنایی بندر شهید بهشتی چابهار، نسبت به تداوم تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی و تعدیل تعدادی از نیروها ابراز نگرانی کردند. به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران شاغل در این پروژه عمرانی که تحت نظر یک شرکت پیمانکار فعالیت می‌کنند، با اعلام وضعیت بحرانی معیشت خود، خواستار رسیدگی فوری مسئولان به مطالبات صنفی‌شان شدند. کارگران این پروژه با بیان اینکه با وجود حضور مستمر و روزانه در محل کار (از ساعات ابتدایی صبح تا ساعت ۱۷)، همچنان در دریافت حقوق در ماه‌های اخیر محروم مانده‌اند، اظهار داشتند: «فشار ناشی از تاخیر در پرداخت حقوق‌ها، تأمین هزینه‌های جاری و معیشتی خانواده‌ها را با چالش‌های جدی مواجه کرده‌است». طبق گزارش‌های دریافتی، علاوه بر تعویق حقوق، روند تعدیل نیرو نیز در این شرکت آغاز شده است که این موضوع نگرانی‌های بیشتری را در میان نیروهای باقی‌مانده ایجاد کرده است. کارگران می‌گویند در پی پیگیری‌های اخیر برای دریافت حقوق، مسئولان شرکت پیمانکار، عدم پرداخت مطالبات از سوی کارفرمای اصلی (اداره کل بندر و دربارینوری) را دلیل ناتوانی در تأمین منابع مالی برای پرداخت حقوق کارگران عنوان کرده‌اند. در پایان، کارگران پروژه بندر شهید بهشتی با انتقاد از وضعیت موجود، خواستار دخالت فوری مسئولان استانی و وزارت راه و شهرسازی برای حل‌وفصل اختلافات مالی میان کارفرما و پیمانکار شدند. آنان همچنین تأکید کردند که اولویت اصلی آن‌ها پرداخت فوری حقوق‌های معوقه و بازگشت ببه کار همکاران تعدیل شده‌است.

بازنشتگان صنعت نفت:

ماده ۱۰ اجرا کنید و معوقات ما را بپردازید جمعی از بازنشستگان صنعت نفت با طرح مطالباتیی در خصوص اجرای کامل ماده ۱۰، خواستار تعیین تکلیف ۴۰ درصد باقیمانده معوقات مربوط به دوران اشتغال خود شدند. به گزارش ایلنا، بر اساس این مطالبات، این بازنشستگان با اشاره به اینکه در دوره گذشته و در نتیجه پیگیری‌های انجام‌شده، بخش قابل توجهی از احکام مربوط به اجرای ماده ۱۰ برای شاغلان و بازنشستگان صنعت نفت عملیاتی شده، اعلام کرده‌اند که حدود ۶۰ درصد از معوقات مربوط به دوران اشتغال آنان، با رعایت سقف حقوق و مزایا، محاسبه و با طریق شرکت‌های اصلی و صندوق‌های بازنشستگی پرداخت شده‌است. بااین حال، این گروه از بازنشستگان معتقدند ۴۰ درصد باقیمانده این مطالبات همچنان بلا تکلیف مانده و هنوز زمان‌بندی مشخصی برای پرداخت آن اعلام نشده است. آنان خواستار شفاف‌سازی مسئولان حوزه توسعه منابع انسانی، امور مالی شرکت‌های اصلی و همچنین اداره کل تدوین مقررات وزارت نفت درباره نحوه اجرای این بخش از مطالبات خود هستند. در همین حال، بازنشستگان صنعت نفت دو مطالبه دیگر را نیز مطرح کرده‌اند: نخست، تعیین تکلیف آورده نقدی ناشی از اجرای ماده ۱۰ در طرح پس‌انداز مسکن و دوم، اعمال آثار افزایش‌های ناشی از این قانون در سایر فوق‌العاده‌های مشمول و پرداخت معوقات مربوط به آن. مطالبه‌کنندگان تأکید دارند که با وجود اقدامات انجام‌شده در سال‌های اخیر، روند اجرای ماده ۱۰ از نگاه آنان هنوز به‌طور کامل پایان نیافته و بخشی از مطالبات بر تبت با دوران اشتغال همچنان باقی مانده‌است.

کارکنان شبکه بهداشت جاسک ۳ میلیون تومان بی دلیل از حقوق مان کم کردند!



جمعی از پرسنل شبکه بهداشت و درمان شهرستان جاسک، با انتقاد از فرآیند پرداخت کارانه‌ها، بخشی از مطالبات خود و فقدان شفافیت مالی در این مجموعه خبر دادند. به گزارش ایلنا، اعتراضات اخیر کارکنان شبکه بهداشت جاسک بر محور «تاعدالتی در توزیع منابع» و «کسر غیر شفاف مطالبات» متمرکز است. پرسنل این مجموعه به این باورند که در روند پرداخت کارانه‌ها، معیارهای شفاف رعایت نشده و حقوق قانونی آنان تضییع شده است. بر اساس اظهارات کارکنان، در حالی که مبلغ مصوب کارانه برای هر یک از پرسنل ۶ میلیون تومان است، مبلغ واریزی به حساب آنان تنها بین ۵ تا ۶ میلیون تومان بوده است؛ موضوعی که نشان‌دهنده کسر حدود ۳ میلیون تومان از حق قانونی هر فرد است و اینها امتیاز زیادی را در مورد سرنوشت این مابه‌التفاوت مالی ایجاد کرده است. کارکنان معترض مدعی این‌که این کسورات به شکلی ناعادلانه، بیش از همه گریبان‌گیر نیروهای بومی منطقه شده است. آنان با اشاره به فقدان شفافیت در فرآیندهای مالی، این شائبه را مطرح کرده‌اند که بخشی از منابع مالی تخصیص یافته، به‌جای رسیدن به‌بند پرسنلی، در اختیار لایه محدودی از مسئولان شبکه قرار می‌گیرد.

مرگ ۲ کارگر در چاه فاضلاب بر اثر گازگرفتگی



دو کارگر به علت گازگرفتگی در یک حلقه چاه فاضلاب در روستای رودباران اراک جان خود را از دست دادند. به گزارش خبرنگار ایلنا، دو کارگر چاه کن در روستای رودباران اراک که برای انجام کار وارد چاه فاضلاب شده بودند، بر اثر گازگرفتگی پیش از رسیدن امدادگران جان خود را از دست دادند. از قرار معلوم این دو کارگر ۲۵ و ۵۵ساله بدون تجهیزات ایمنی وارد چاه فاضلاب شده بودند.

نسرین هزاره مقدم

یک کارگر که نوه خردسالش مبتلا به سرطان است؛ آقای وزیر، ما مردم هم اضطراب اقتصادی داریم، هم دغدغه دارو؛ ما مرزهای معمول تحمل راپشت سر گذاشته‌ایم؛ ما برای یک آمپول ساخت ایران آواره‌ایم... شما اینهارا نمی‌بینید؟!

مدت‌هاست رنج‌های کارگران در پیچ و خم سیاست و در راهروهای تصمیم‌گیری‌های سیاسی گم شده؛ «مردم» صدای خود را از دست داده‌اند؛ فقدان مشارکت، گروه‌های مختلف مردم را به حاشیه رانده است و طبقات مختلف زیر دست و پای هیولای مهیب فقر در حال له‌شدن هستند. رنج‌ها دیده نمی‌شود؛ رنج پدری که شب‌ها سرمنده و دست‌خالی به خانه برمی‌گردد؛ رنج مستاجری که دیگر توان پرداخت چند میلیون اضافه ندارد؛ رنج مرد غمگینی که آب شدن فرزند دل‌بندش پیش چشمش اتفاق می‌افتد اما با هزار جان‌کندن باز هم نمی‌تواند گره کور دارو و درمان و بیمارستان را باز کند.

«بناجانب کرملی موسوی، کارگر ساده، اهل لرگان چهارمحال و بختیاری و پدر بزرگ محمد حسین فرهادی پور هفتم، کودکی ۵۴ساله مبتلایه سلطان‌حادثه نزدیک دوسال است در بیمارستان امید اصفهان شیمی درمانی می‌شود؛ با بیماری این کودک معصوم، تمام زندگی ما بر باد رفته است...» اینها آغاز صحبت‌های یک کارگر گرسنه؛ کارگری که چندی پیش بعد از سال‌ها سابقه کار، اخراج شد و با دوندگی بسیار عاقبت توانست در یک شرکت به عنوان کارگر ساده استخدام شود؛ حقوق «کرملی» ماهی ۳۰ میلیون تومان است که بعد از کسر کرایه خانه و هزینه‌های یک سفره ساده، فقط ۱۵ میلیون برای باقی می‌ماند؛ هزینه‌های درمانی نوه چهارساله که برای زنده ماندن باید ماهی دوبار شیمی درمانی شود، همه حقوق این کارگر را می‌بلعد.

او می‌گوید: «هر بار شیمی درمانی با رفت و برگشت، ۵ تا ۶۰ میلیون تومان برایمان هزینه دارد؛ قیمت‌ها بعد از جنگ چند برابر شده؛ ما ماهی دوبار از روستای محل زندگی‌مان به اصفهان می‌رویم؛ هر چه من درمی‌آورم، هر چه پدر محمد حسین درمی‌آورد، همه را خرج درمان این طفل معصوم می‌کنیم؛ شما باور تان می‌شود ما و ما می‌گیریم با بهره ۳۰ درصد تا پول شیمی درمانی بدهیم؟! مشکلات ما بعد از جنگ خیلی بیشتر شد؛ مدتی‌ست که دارو پیدا نمی‌شود؛ باید از بازار آزاد، با قیمت بسیار بالا بخریم که آن هم در استطاعت من کارگر نیست.»

رنج مضاعف دارو و درمان ماه‌های پس از جنگ

کرملی موسوی، قصه تلخ پیدا کردن داروهای شیمی درمانی در ماه‌های پس از آغاز جنگ را روایت می‌کند؛ این قصه از همان رنج‌هایی‌ست که در هیاهوی سیاست گم شده؛ رنجی که گویا برای تصمیم‌گیرندگان اهمیت چندانی ندارد: «سال قبل، پیش از جنگ، داروهای خارجی

برای شیمی درمانی می‌گرفتیم؛ پزشکان می‌گفتند داروهای ایرانی فایده ندارد؛ اما الان تقریباً دو ماه است که داروی خارجی گیر نمی‌آید؛ نه که نباشد، هست اما دست دلال است. قیمت از ۲۰ میلیون تا ۵۰ میلیون؛ ما توان خرید نداریم... داروی ایرانی هم دیگر به راحتی پیدا نمی‌شود؛ مثلاً داروی «سنسنا» که یک آمپول ایرانی است و باید بعد از شیمی درمانی در سرم تزریق شود، در اصفهان پیدا نمی‌شود؛ بیمارستان ندارد، هلال احمر ندارد، هیچ جانیست. قیمت این دارو قبل جنگ دانه‌ای ۲۵۰۰ تومان بوده اما حالا هیچ جا پیدا نمی‌شود... من مجبور شدم از اصفهان بروم شیراز، کل شیراز را

زیر پا گذاشتم، آخر یک داروخانه‌چی گفت برو تو کوچه برایت آمپول‌ها را بیاور؛ چهار تا آمپول سنسنا برایم آورد؛ گفت قیمتش ۱۰ میلیون است ولی چون شما کارگری و از اصفهان آمدی، ۵ میلیون بده... من هم ناچار پرداختم، پنج میلیون پول تا آمپول ایرانی دادم!»

در ماندگی در صدای فروخورده‌ی «کرملی موسوی» موج می‌زند؛ او می‌گوید «منی دائم خدا دارد ما را امتحان می‌کند یا این‌بلاز جای دیگری بر سر ما نازل شده». می‌گوید «هر ۱۵ روز همین مصیبت را داریم، فقط هم داروها نیست، بعد از جنگ حتی سرم هم به سختی پیدا می‌شود، بیمارستان سرم ندارد، می‌گویند بروید بیرون آزاد بخرید و بیاورید تا داروهای بچه را تزریق کنیم». می‌گوید «والدین بچه‌های سرطانی در این بیمارستان، همه مثل ما گرفتار شده‌اند؛ اکثر اُهم کارگرند؛ دارو نیست، قیمت‌ها نجومی‌ست، بچه‌ها جلوی چشم پدر ما هار آب می‌شوند...»

دردی برای خرید یک آمپول ساخت ایران!

مصیبت این کارگر، یک مصیبت عظمی‌ست؛ رنجی‌ست که هر ۱۵ روز تازه می‌شود؛ وقتی دو مرد خانواده هم‌ام ۲۰ تا ۲۵ میلیون کناری گذارند تا یک کودک ۴ساله‌ی مبتلا به سرطان، داروهای شیمی درمانی بگیرد و حیات رنجورش ادامه داشته باشد، کلمات کم می‌آورند...

کارگری که سال‌ها حق بیمه داده، در کشوری



با اینهمه ثروت و امکانات، باید از شهری به شهر دیگر آواره شود و برای چند عدد آمپول ساخت داخل، ۵ میلیون تومان پول بدهد؛ بسیاری از داروهای بیماری‌های خاص، به همین سر نوشت دچار شده‌اند؛ نایاب‌اند و قیمت‌شان سر به فلک کشیده...

وضعیت در مسورد داروهایی که هنوز تحت پوشش بیمه هستند هم اصلاً مناسب نیست؛ در روزهای گذشته، یک کارگر تهرانی در تماس با ما، ۵۰۰ هزار تومانی داروهای ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی داروهای اعصاب همسرش انتقاد کرده؛ داروهایی که نسخه دارند اما قیمت‌شان در ماه‌های اخیر بالا رفته در حالیکه تعرفه پوشش بیمه ثابت مانده؛ این کارگر گفت: «قبلاً پول دارو، ماهی یک میلیون می‌شد که ۵۰۰ هزار تومان آن را بیمه می‌داد؛ حالا از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان باز هم تقریباً همان ۵۰۰ قیمت‌شان سر به فلک کشیده...»

کارگری که سال‌ها حق بیمه داده، در کشوری با اینهمه ثروت وامکانات، باید از شهری به شهر دیگر آواره شود و برای چند عدد آمپول ساخت داخل، ۵ میلیون تومان پول بدهد؛ بسیاری از داروهای بیماری‌های خاص، به همین سر نوشت دچار شده‌اند؛ نایاب‌اند و قیمت‌شان سر به فلک کشیده...

تصویب مقررات اشتغال در مناطق آزاد ویژه اقتصادی بازمی‌گردد. «وی در تشریح پیامدهای حقوقی این عطف به ماسبق شدن توضیح داد: «از منظر حقوقی، این بدان معناست که آن‌بخش از مقره قانونی که خلاف شرع شناخته شده؛ از ابتدا (یعنی از سال ۱۳۷۳) فاقد اعتبار بوده است. البته باید توجه داشت که این موضوع، به منزله بی اعتباری تمامی آرای صادر شده در سی سال گذشته نیست و نباید چنین سوء برداشتی در جامعه کارگری و کارفرمایی ایجاد شود.»

خوشحوتی تصریح کرد: «گر قرار باشد آرای خاصی در گذشته بی‌اعتبار تلقی شود، باید در آن پرونده مشخص، به صورت مجزای بررسی گردد که آیا یک باهمه اعضای رسیدگی کننده؛ واجد شرایط لازم بوده‌اند یا خیر، و آیا اثر کسب هیأت مطابق موازین شرعی و قانونی تشکیل شده بوده است یا خیر. بنابراین، چنانچه شخصی مدعی باشد که طی سی سال گذشته آرای صادر شده که به واسطه این تصمیم دیوان باید باطل شود، پرونده‌وی نیازمند بررسی مودی و کاملاً جداگانه خواهد بود.» وی مهم‌ترین اثر این آرای را در آینده در رویه‌های اجرایی دانست و گفت: «مهم‌ترین پیامد این آرای در آینده، افزایش سطح حساسیت سازمان‌های مناطق آزاد نسبت به ترکیب و صلاحیت اعضای هیأت‌های رسیدگی است؛ به ویژه رئیس هیأت که به عنوان نماینده سازمان مناطق آزاد ویژه در هیأت‌های رسیدگی حضور دارد؛ از این پس، هر یک از طرفین دعوا در صورت توانایی اثبات این موضوع که هیأت فاقد شرایط قانونی یا شرعی (وفاقت، خبرگی و امانت) بوده و یا ترکیب آن مطابق ضوابط شکل نگرفته است، می‌توانند از این آرای به عنوان یک مستند حقوقی قدرتمند برای ایراد به اعتبار آرای صادره توسط هیأت استفاده کنند.»

آرمین خوشحوتی در پایان این گفت‌وگو یادآور شد: «این آرای در خصوص مقررات اشتغال در مناطق آزاد صادر شده است. با این حال، با توجه به اینکه مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های علم و فناوری نیز عموماً از مقررات مشابهی تبعیت می‌کنند، تسری آثار این آرای به آن‌ها نیازمند بررسی‌های جداگانه است و در حال حاضر نمی‌توان با قطعیت اعلام کرد که این آرای برای هیأت‌های رسیدگی مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های علم و فناوری نیز صحت می‌کند و قابل تسری است یا خیر.»



سخن آخر؛ پرونده‌ای که بسته نشده است این فصل کارگری در پایان خاطر نشان کرد: سازمان تأمین اجتماعی ممکن است در تقویم اداری خود پرونده متنااسب‌سازی را بسته فرض کند؛ اما تا زمانی که عدالت بیمه‌ای یعنی تناسب واقعی بین حق بیمه پرداختی و مستمری دریافتی محقق نشود، این پرونده همچنان در دادگاه افکار عمومی باز خواهد ماند. عدالت بیمه‌ای، نه با بخشنامه و تصحیر دیف‌ها بلکه تنها با پاسخگویی شفاف و پایبندی بی‌چون و چرا به قانون به دست می‌آید.



یک خانواده کارگری: برای شیمی درمانی کودک سرطانی ماهی ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون هزینه می‌کنیم

رنج‌هایی که در هیاهوی سیاست گم می‌شوند

هزار تومان را بیمه می‌دهد؛ من باید ۲ میلیون از جیب دهم...

بر اساس داده‌ها و اطلاعات میدانی و رسمی، در چند ماه اخیر، قیمت بسیاری از داروهای بین ۸۰ تا ۲۰۰ درصد گران شده است؛ پیشتر در سال قبل هم بعد از حذف ارز ترجیحی دارو و بهانه ساز کردن داروسازان که دیگر ساخت دارو به صرفه نیست، یک گرانی ۱۰۰ تا ۴۰۰ درصدی دارو داشتیم؛ ببینید مجموع این گرانی‌ها چه بر سر طبقه‌ی کارگر آورده است!

بررسی شاخص‌های رسمی تورم نشان می‌دهد در خرداد ۱۴۰۵ گروه «بهداشت و درمان» همچنان یکی از بالاترین نرخ‌های افزایش قیمت را در میان گروه‌های اصلی هزینه‌ای خانوار به ثبت رسانده است. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد تورم ماهانه این گروه از ابتدای سال روندی کم‌سابقه داشته و پس از ثبت نرخ‌های ۱۵٫۶ و ۲۳٫۱ درصدی در فروردین و اردیبهشت، در خرداد نیز ۸٫۶ درصد رسیده است؛ ارقامی که در تمام این ماه‌ها همراهی اتب بالاتر از تورم کل بوده و در مقایسه با نرخ‌های حدود ۱٫۴ و ۳٫۴ درصدی بهمن و اسفند سال گذشته؛ از جهش قابل توجه هزینه‌های درمان حکایت دارد.

برآوردهای مرکز آمار ایران نیز همین روند را تأیید می‌کند. بر اساس این آمار، تورم ماهانه گروه بهداشت و درمان در خرداد به ۹٫۴ درصد رسیده که ۳٫۵ واحد درصد بیشتر از تورم ماهانه کل اقتصاد (۵٫۹ درصد) است.

در این وضعیت، حساب کارگرانی که بیمار خاص در منزل دارند با کرام‌الکاتبین است. «کرملی موسوی» آخر حرف‌هایش به صحبت‌های اخیر وزیر بهداشت اشاره می‌کند؛ آنجایی که آقای وزیر خطاب به معاونین غذا و دارو می‌گوید «هر روز موجودی دارو‌ها را رصد کنید و با توجه به فصل گرم، هوشمندانه، نظارت‌های مستمری داشته باشید و در مواردی که کمبود وجود دارد با همکاری استانی‌ها مجبور، این کمبودها را برطرف کنید و اجازه ندهید که مردم در کنار اضطراب اقتصادی، دغدغه دارو داشته باشند.»

آیا وزیر بهداشت از این گرانی‌ها، از بلایی که کمبود دارو بر سر مردم آورده، خبر ندارد؟ آیا نمی‌داند دغدغه‌ی دارو، خودش به تنهایی یک مصیبت عظمی‌ست و واقعاً چرا در تصمیم‌گیری‌ها، رنج‌های عامه مردم را به هیچ می‌انگار؟! موسوی، کارگری که حالا تمام زندگی‌اش فقط به یک کمبود است، می‌گوید «آقای وزیر، ما مردم هم اضطراب اقتصادی داریم، هم دغدغه دارو؛ ما مرزهای معمول تحمل را پشت سر گذاشته‌ایم؛ ما برای یک آمپول ساخت ایران آواره‌ایم... شما اینها رانعی بینید؟!»

پرسشی ناظر بر رای اخیر دیوان عدالت در مورد کارگران:

هیأت‌های تشخیص مناطق آزاد منحل شدند؟

این کارشناس حقوق و روابط کار تأکید کرد: «بنابر این رأی صادر شده توسط هیأت عمومی دیوان عدالت‌اداری، به هیچ وجه معنای ابطال کل مقررات اشتغال مناطق آزاد نیست و حتی تمام ماده ۳۱۰ مقررات رانیز ملغی نمی‌کند؛ اگر این تصور پیش آمده که از این پس مناطق آزاد مشمول قانون کار سرزمین اصلی می‌شوند، باید تأکید کنم که این برداشت کاملاً نادرست است. چنانچه دیوان قصد انحلال نظام حقوقی مناطق آزاد را کتا بر نگارد و قانون کار را جایگزین آن نماید، باید صراحتاً رأی به ابطال کلیت مقررات اشتغال مناطق آزاد می‌داد؛ در حالی که در متن رأی صادر شده، چنین موضوعی به هیچ عنوان به چشم نمی‌خورد.»

وی خاطر نشان کرد: «بر این اساس، روابط کارگری و کارفرمایی در مناطق آزاد، مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های علم و فناوری همچنان بر اساس مقررات خاص مناطق آزاد (مصوب سال ۱۳۷۳) اداره می‌شوند و این رأی، وضعیت کلی این نظام را دستخوش تغییر نکرده است.»

خوشحوتی همچنین به ابهامات موجود درباره انحلال احتمالی هیأت‌های رسیدگی به اختلافات کارگری اشاره کرد و گفت: «برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا هیأت‌های رسیدگی به اختلافات کارگری و کارفرمایی در مناطق آزاد که در ماده ۳۰ مقررات اشتغال به آن‌ها اشاره شده، با این رأی منحل خواهند شد؟ این برداشت نیز از اساس اشتباه است. اتفاقاً با بررسی متن نظر به فقهای محترم شورای نگهبان، چنین استنباط می‌شود که اصل وجود و ماهیت این هیأت‌ها مورد پذیرش ایشان بوده است. فقهای شورای نگهبان نفرموده‌اند که تشکیل این هیأت‌ها خلاف شرع است؛ بلکه تأکید کرده‌اند؛ افرادی که به عنوان عضو در این هیأت‌ها حضور دارند وظیفه تشخیص حق را بر عهده می‌گیرند، باید واجد شرایط خاصی باشند که این شرایط شامل «وفاقت»، «خبرگی» و «امانت» است.»

به دنبال صدور رأی اخیر دیوان عدالت‌اداری در خصوص ابطال «اتلاق ماده ۳۰ مقررات اشتغال مناطق آزاد»، برخی برداشت‌ها حاکی از تسری قانون کار سرزمین اصلی به این مناطق و انحلال هیأت‌های رسیدگی بود. با این حال، یک کارشناس روابط کار بار دیگر این گمانه‌زنی‌ها را توضیح می‌دهد که این رأی صرفاً اسباب شورش فقهی‌های نگهبان ناظر بر لزوم احراز صلاحیت‌های «وفاقت، خبرگی و امانت» برای اعضای این هیأت‌هاست و موجودیت نظام روابط کار در مناطق آزاد را تغییر نمی‌دهد. کارشناس حقوق و روابط کار، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به اخبار منتشر شده در روزهای اخیر مبنی بر تغییر نظام روابط کار در مناطق آزاد، اظهار داشت: «طی چند روز گذشته، خبری در رسانه‌های مختلف بازتاب گسترده‌ای داشت و این تصور را در افکار عمومی به وجود آورد که دیوان عدالت‌اداری، نظام روابط کار در مناطق آزاد را تغییر داده و مقررات مرتبط با این مناطق را به طور کامل ابطال کرده است.»

آرمین خوشحوتی، در پاسخ به این پرسش که آیا واقعاً مقررات اشتغال در مناطق آزاد ابطال شده‌است، تصریح کرد: «پاسخ به این پرسش مطلقاً منفی است. در حقیقت، برداشت‌ها و تفسیرهایی که از این خبر در رسانه‌های مختلف صورت گرفته، بسیار فراتر از مفاد واقعی و نص رأی دیوان عدالت‌اداری است.»

خوشحوتی در ادامه به تشریح ابعاد این پرونده پرداخت و افزود: «موضوع اساسی این است که رأی هیأت عمومی دیوان، صرف‌اً در رابطه با ماده ۳۰ مقررات اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد ویژه اقتصادی صادر شده است. نکته حائز اهمیت این است که حتی کل ماده ۳۰ نیز ابطال نشده، بلکه صرفاً «اتلاق» آن، تنها در حدی که فقهای محترم شورای نگهبان آن را خلاف شرع تشخیص داده‌اند، باطل اعلام شده است.»

گفت و گو

روایت گلیور از چالش‌های متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان؛

وقتی «عدالت بیمه‌ای» در پیچ و خم قوانین گم شد!

شکاف میان «نص قانون» و «اجرای سازمانی»

گلیور بابیان اینکه محل اصلی اختلاف، نحوه اجرای قانون است، از ایجاد یک شکاف عمیق میان متن صریح قانون و رفتار سازمان تأمین اجتماعی انتقاد کرد.

به گفته‌ی این فعال کارگری، کلیدی‌ترین مستند حقوقی در این

پرونده که به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۵ به دست فراموشی سپرده شده، تبصره ۴ ماده ۴۰ این نامه اجرایی متناسب‌سازی است؛ تبصره‌ای که به صراحت تکلیف سازمان را در دوم محور روشن کرده است: درج جداگانه: مبلغ مابه‌التفاوت باید مستقل از حقوق اصلی در حکم درج شود.

سنواتی پذیری این مبلغ باید مشمول افزایش ضریب ریالی سنواتی

گردد. وی در ادامه تشریح کرد: تغییر رویه سازمان در سال ۱۴۰۵

تجمع مبالغه، نه تنها این صراحت قانونی را زیر سؤال برده، بلکه باعث

شده است بازنشستگان نتوانند تشخیص دهند چه میزان از دریافتی

مطالبه صریح از نهادهای نظارتی: شفافیت، نه مصلحت‌سنجی

گلیور با تأکید بر اینکه امروز مطالبه جدی جامعه کارگری و بازنشستگان از کمیسیون اجتماعی مجلس، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت‌اداری، ورود فوری به پرونده محاسباتی سازمان است، خواستار روشنگری شد؛ گفت: چه مستند قانونی اجازه داده است که تبصره ۴ ماده ۴۰ در سال ۱۴۰۵ نادیده گرفته شود؟ انتظار داریم فرمول‌ها روشن و شفاف منتشر شود.

عدالت بیمه‌ای؛ قربانی تفاوت ساختاری صندوق‌ها

رئیس پیشین کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور ریشه اصلی این اختلافات را در یک تضاد ساختاری دانست و گفت: در حالی که صندوق‌های دولتی مثل صندوق بازنشستگی کشوری، مستمری را بر مبنای «آخرین حقوق» محاسبه می‌کنند، تأمین اجتماعی به «میانگین دوسال آخر» تکیه دارد. همین تفاوت ساختاری، برقراری عدالت را با چالش مواجه کرده است.